



Elmira Roozbeh / From *The Showcase Collection* / 2013 / Acrylic on Canvas / 140x100 cm

**Parviz Roozbeh**  
Born in 1957, Gilan, Iran  
**Education:**  
BA in Painting and university instructor

**Elmira Roozbeh**  
Born in 1985, Tehran, Iran  
**Education:**  
2011 BA in Painting, Sooreh University, Tehran, Iran

## رویایها در پاریس - تهران

مهم نبود که گریان باشم یا خنده رو. تلخ یا شیرین باشم. با احساس و بی قضاوت نگاهم می کرد. از گریه ام پریشان نمی شد و با قهقهه هایم گونه هایم گل نمی انداخت. همیشه همدم بود حتی اگر چشمانش را می بستم. بی خجالت در آغوشش می گرفتم بی آنکه سرم از پسر بودنم زنگ بزند. سال ها گذشتند و خاموش همچون طبیعتی بی جان در فضای کارگاهم می نشست. آن دم که به اثرم راه جست، چیزی به جز استعاره ای از انسان معاصر نبود. تا روزی که تکیده و مغموم در آثار به ظاهر شاد و پرنرنگ و لعاب پرویز روزبه دیدمش. گاه شاد بود و گاه مثله شده، گاه می خندید و گاه نقاب خشم به رو داشت. عروسک!

حضور کودکی در آثار پرویز روزبه، هیاهوی حضور نوستالژی نیست! او از شادی های بر باد رفته سخن نمی گوید. او دریافت های هر آن خود را به بهترین راه ممکن در ساحات مختلف آثارش ترسیم می کند. گاه کودکی ها، شاعرانه های خلوت مردیست که دوری تنها دخترش را تلخ می بیند و گاه دلهره هایش به دستان بازیگوش عروسک هایی می افتند که سال ها با صبوری های پدرانه اش فاصله دارند. او آغاز گر راه پر صداقتی ست که یگانه دخترش المیرا، با عشق سرشارش به دنیای کودکی و بازی، ادامه داده است. کودکانه های تلخی که گاه ویتربینی دور از دسترس کودکان محتاجند و گاه به شکنجه ی عروسک های آویخته از دیوار بسنده می کنند. عروسک هایی که اغلب همانقدر که قیمتی و دست نیافتنی اند، محرومند. رنگ های سرشار از امید و شور زندگی که بی حرکت و منجمد به انتظار نشسته اند. انتظار... عاشقانه ترین عملکرد یک انسان که المیرا آن را به دست عروسکان بی زبانش می سپارد.

آن چیز که در آثار پر احساس این دو نقاش موج میزند، صداقت بی همتایی ست که اغلب در آثار هنری مان از یاد می بریم. حال و هوایی که بیانگر حقیقت ماست، اغلب در تظاهر و شعارهایمان گم می شود. اما در سلف پرتره های المیرا روزبه، خواسته های صادقانه ی نقاش، یک به یک بر شمرده اند و آنجا که المیرا سوژه ی نقاشی های پدر می شود فضای شکسته ی دل نگران پدر در اطراف خنده ی تلخ المیرا، تامل بر انگیز است. صدای صادق این دو نقاش، بی شک بر هر دیواری طنین انداز است.

احمد مرشدلو

### Dreams in Paris-Tehran

No matter whether I was crying or smiling, whether I was being bitter or sweet, she stared at me with an emotional and uncritical look. She neither got distressed when I cried nor blushed when I laughed. She was always a companion, even if I closed her eyes. I hugged her without getting embarrassed, without being ashamed of being a boy. Years passed by, and she was sitting in my workshop, silent and still. When she eventually found her way into my art work, she was nothing but a metaphor of the contemporary human being. Until one day, I saw her drawn and miserable in the evidently happy and colorful works of Parviz Roozbeh. Sometimes she looked delighted and other times depressed, sometimes she laughed and some other times wore the veil of anxiety. The doll!

The presence of childhood in Parviz Roozbeh's works, is not a hectic representation of nostalgia! He does not talk about gone pleasures. He portrays his perceptions from each moment, in various parts of his works and in the best way possible. Sometimes the child worlds he creates, are like poems that arise from the solitude of a man for whom seeing her only daughter being away, sounds painful and sometimes his worries fall into the naughty hands of dolls that are years distant from his fatherly patience. He is the initiator of a path that his only daughter Elmira has continued with her strong passion for child world and games. Bitter worlds that are sometimes only a window which is not available to children in need, and sometimes only suffice to torture the hanged dolls from the wall. Dolls that are valuable and unreachable, yet poor and deprived. Colors that are brimmed with hope and the passion of life, but are waiting, motionless and frozen. Anticipation..., the most amorous function of a man, that Elmira leaves to the hands of her mute dolls.

What is abounding in the works of these two artists is the unique honesty that we have mostly forgotten in our art works. The atmosphere which represents our true selves, is mostly vanished under the mask of our semblance and slogans. But in Elmira - Roozbeh's self portraits, the sincere desires of a painter can be counted one by one, and where Elmira becomes the subject of her father's paintings, the broken worried ambience he creates around Elmira's bitter smile, is worth thinking about. No doubt that the genuine voice of these two painters, tingles on any wall.

Ahmad Morshedloo

**المیرا روزبه**  
متولد ۱۳۶۴، تهران، ایران  
**تحصیلات:**  
۱۳۹۰ لیسانس نقاشی از دانشگاه سوره تهران

**پرویز روزبه**  
متولد ۲۰ اسفند ۱۳۳۶  
**تحصیلات:**  
لیسانس نقاشی و استاد دانشگاه  
**عضویت ها:**

عضو پیوسته انجمن نقاشان ایران  
عضو شهرک هنرمندان پاریس سیت دآرت